

## فصلنامه علمی تخصصی معارف علوم انسانی و علوم اسلامی

سال ششم - بهار 1405 - شماره 24 - ص 172-185

### ویژگی های افراد عزتمند در آیات و روایات

سبا عاصمی<sup>1</sup>

#### چکیده

عزت و سربلندی از صفات انسانهای بزرگ، با شخصیت و آزاده است و خواری از رذایل اخلاقی و صفات ناپسند انسانی به شمار می آید. شخص مؤمن و امت و دولت اسلامی باید عزت را در عوامل مثبت و سازنده ای جستجو کنند که بتوانند به عزت واقعی دست یابند و از آثار و پیامدهای آن در سیاست داخلی و خارجی سود برند و برای رشد و پیشرفت و توسعه جامعه اسلامی در همه ابعاد از این عزت الهی و واقعی بهره مند شوند. ولایت طاغوتیان و کافران و مشرکان و حتی دوستی با آنان موجب عزت نیست بلکه یک عزت خیالی است که برخی از مسست ایمان ها و منافقان دنبال آن می روند. در این مقاله سعی می شود آیات و روایاتی که درباره عزت مندی است با توجه به نظرات مفسران جمع آوری و مورد بحث قرار دهد. با توجه به اهمیت روحیه عزتمند بودن شخص و تأثیر آن در جامعه و موجب سربلندی شدن در دنیا و آخرت این تحقیق انجام می گیرد تا ان شاء... با مفاهیم بلند آن که برگرفته از آیات و روایات خواهید بود آشنا شده و عمل نمائیم.

واژگان کلیدی: عزت، سربلندی، کمال، آیات، روایات

1. طلبه سطح سه (کارشناسی ارشد)، رشته مشاوره خانواده با رویکرد اسلامی، حوزه علمیه حضرت ولیعصر (عج) خواهران، بناب، آذربایجان شرقی.

## مقدمه

عزت حالتی است که مانع مغلوب شدن فرد یا جامعه می شود و عزیز به معنای قاهر غیر مقهور و غالب غیر مغلوب است به طوری که شخص همواره در بلندی قرار می گیرد که سلطه و چیرگی امکان پذیر نیست و هرگز به نقیض آن یعنی ذلت و خواری دچار نمی شود. عزیز به سبب آنکه دارای چنین حالتی است فردی نفوذ ناپذیر است به طوری که با صلابت خویش هرگونه راه نفوذ از طریق رخنه کردن در قلعه و دژ استوار یا از راه دیگر را بر دشمن می بندد.

این حالت در فرد و جامعه از سانی اگر تحقق یابد شرایط به گونه ای خواهد بود که شخص و جامعه روحیه ذلت پذیری نخواهد داشت و تمام تلاش ها مصروف این معنا می شود که حالت عزت صیانت شود و زمینه های تحکیم و تقویت فراهم و موانع احتمالی بر طرف و از هر گونه شرایط ذلت بار و علل و عوامل آن پرهیز یا مبارزه شود.

البته عزت اجتماعی و سیاسی تابع عزت نفس فردی است زیرا اگر یکایک افراد جامعه از عزت نفس فردی برخوردار نباشند نمی توان از اجتماعی سخن گفت که شهروندان آن عزتمدار و ذلت گریز باشند بنابراین تقویت روحیه عزت نفس به معنای تقویت و افزایش عزت اجتماعی و سیاسی برای آن جامعه است.

از نظر قرآن ولایت و دوستی با دشمنان اعم از کافران و مشرکان و حتی اهل کتاب عزت بخش نیست بلکه مانع اصلی و جدی در سر راه عزت واقعی است.

تعالیم اسلام همگی در جهت عزت بخشیدن به انسان و رهایی ساختن وی از دل بستن به اموری است که با مقام شامخ انسانیت سازگار نیست. اسلام انسان را از عبادت، خشوع و هرگونه سرسپردگی به معبودهای دروغین که با عزت انسان سازگار نیست رهایی می دهد و او را می خواهد جز در مقابل خدا در برابر هیچ کس سر تسلیم فرود نیاورد و فقط خداوند در نظر او بزرگ و با عظمت باشد.

اهمیت عزت نفس یا ارزش شیبایی شخص از خود یکی از مهم ترین عوامل تحول روانی فرد است بدون تردید افرادی که از عزت نفس بالا برخوردارند تصویر خوب و مثبتی از خود دارند، از بسیاری جهات با افراد دارای عزت نفس پایین متفاوت هستند اهداف بالاتری را انتخاب می کنند، اضطراب کمتری دارند، فشار روانی کمتری تجربه می کنند، به شکست و انتقاد کمتر حساس هستند، احساس کنترل بیشتری دارند یعنی کمتر از احساس درماندگی رنج می برند، تمایل بیشتری به مواجهه و رویارویی با مشکلات دارند و به طور کلی از نظر اخلاقی افراد برانگیخته ای هستند.

آشنایی و آگاهی از موجبات عزت و بزرگواری و کوشش در حفظ عزت و شرافت خویش که با تدارک آن موجبات، فرد عزیز، و در نتیجه نفوذناپذیر، محکم، راسخ و شکست ناپذیر می شود و پرهیز از گفتار و رفتاری که به نقیض آن یعنی ذلت و خواری بیانجامد.

2) منشأ عزت و کرامت در فلسفه دعوت الهی پیامبران است و یکی از اصول دعوت این بزرگواران دعوت به باز یافتن عزت و کرامت انسانی است.

روح بزرگوار یا روح دارای کرامت، روحی است که از هر چه رذیلت است احتراز می کند و از اینکه تنها خود را ببیند و نسبت به دیگران احساس مسئولیت نکند احساس شرم می کنید. عزت و ذلت مرزبندی واقعی حیات و ممات انسان است و انسان بی عزت از انسانیت دور افتاده است. آدم عزیز و عزتمند به هر کارپستی تن در نمی دهد زیر بار زور و ظلم نمی رود، خودش را پیش دیگران بی مقدار و بی مایه نمی کند. چنین انسانی تنها و تنها در مقابل خدای بزرگ سر فروتنی و ذلت به پایین می آورد.

### 1- ویژگی های افراد عزتمند عبارتند از:

#### 1-1- طاغوت ستیزی و ستم گریزی

اگر این خصلت ارز شمند، جز آزادی و عدم قبول سلطه طاغوتها اثری نداشته، برای فضیلت و عظمت آن کافی بود. این خوی بزرگ، انسان را بلند همت بار آورده و ثبات، پایداری و تحمل سختی ها و ناملایمات در راه اهداف متعالی را به صاحب آن ارزانی می دارد و او را چون کوه در برابر تندبادهای ویرانگر مقاوم می سازد و در اثر این علوت همت، به شیاطین درون و برون، پشت پا میزند. تو صیه قرآن به مؤمنان این است که بر خدا توکل کنند، تنها ولایت او را بپذیرند و از غیر خدا هراسی به خود راه ندهند. (قرآن کریم برای مؤمنی که سلطه بیگانه را بپذیرند، کرامیت و شخصیتی قائل نیست.)

لَا يَتَّخِذُ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ إِلَّا أَنْ تَتَّقُوا مِنْهُمْ تُقَاةً وَيُحَذِّرُكُمُ اللَّهُ نَفْسَهُ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ (28/آل عمران)

افراد با ایمان نباید به جای مؤمنان، کافران را دوست و سرپرست خود انتخاب کنند، و هر کس چنین کند، هیچ رابطه‌ای با خدا ندارد (و پیوند او بکلی از خدا گسسته می شود)، مگر اینکه از آنها به پرهیزد (و به خاطر هدف های مهم تری تقیه کنید). خداوند شما را از (نافرمانی) خود، بر حذر می دارد، و بازگشت (شما) به سوی خداست.

طاغوتها با بزرگ نمایی مشکلات و راه گشایی خود می خواهند مؤمنان از ولایت الهی سرباز زنند. سلطه پذیری و راه گشایی خود، می خواهند مؤمنان از ولایت الهی سرباز زنند. سلطه پذیری، از آثار حقارت نفس است. تاریخ، پیوسته گواهی می دهد که ستمگران و استثمارگران

، تنها از طریق افراد درملنده که گرفتار کم‌شخصیتی و عقده حقارت بوده‌اند، بر مردمان، کشورها و امت‌ها سلطه می‌یابند. آنها از میان مردمان حقیر النفس و تحقیر شده که آمادگی انجام جنایتی دارند،<sup>1</sup> سیربازگیری می‌کنند اما به هیچ قیمتی نمی‌توانند افراد عزتمند را تحت سلطه خویش در آورند؛ و لو به قیمت جان آنان تمام شود.

### 1-2- انصاف

پاس‌داستن عدل و داد و رعایت حق مردمان و با آنان به راستی رفتار کردن، از جمله اموری است که عزت آدمی را پایدار می‌کند و افزون می‌سازد. از امام محمدباقر علیه السلام روایت شده است که فرمود:

امیر مومنان علیه السلام در ضمن سختی فرمود: «الا انه من ينصف الناس من نفسه لم يزه الله الا عزا»<sup>2</sup> بدانید هر که از خود به مردم انصاف دهد، خداوند جز عزتش نیفزاید.

### 1-3- قیام به حق و گرفتن حق

از سان‌هایی که به حق برمی‌خیزند و در برپایی حق می‌کوشند در عزت خدا هستند و خداوند از هر که اقامه حق و داد کنید خواری ببرد و لباس ارجمندی و بزرگی بر تنش کند. از امام عسکری علیه السلام چنین نقل شده است: «ما ترک الحق عزیز الا ذل، ولا اخذ به ذلیل الا عز»<sup>3</sup> هیچ عزیزی حق و نهاد مگر آن که خوار شد، و هیچ خواری اقامه حق نکرد مگر آن که عزیز شد.

### 1-4- درگذشتن در عین قدرت و بخشش و پیوند

بزرگواری و گذشت و بخشش از جمله خصوصیات افراد باعزت است و هر چه این کمالات در انسان افزون شود بر عزتش افزوده می‌شود. پیامبر بزرگوار و ارجمند اسلام فرموده است: «علیکم بالعفو، فان العفو لایزید العبد الا عزا، فتعافوا یعزکم الله»<sup>4</sup> بر شما باد به گذشت که گذشت کردن جز بر عزت بنده نمی‌افزاید، پس از یکدیگر درگذرید تا خدا شما را عزیز کند.

1 علی علیه السلام می‌فرماید: «النفس الدنیه لا تنفک عن الدنات» کسی که فرومایه و دنی‌نفس است از

کارهای پست و موهن جدایی ندارد. تمیمی آمدی، غررالحکم، ص 117.

2 کلینی، الکافی، ج 2، ص 144

3 ابن شعبه، همان کتاب، ص 368

4 کلینی، الکافی، ج 2، ص 108

همچنین شیخ طوسی (ره) به اسناد خود روایت کرده است کیه آن حضرت فرمود: «من عفا عن مظلّمه ابد له الله بها عزا فی الدنيا و الاخره»<sup>1</sup> آن که از ستمی گذشت کند خداوند در عوض آن به او عزت دنیا و آخرت بخشد.

جابر از امام باقر علیه السلام روایت کرده است که فرمود: «ثلاث لا یزید الله بهن المرء المسلم الا عزا: الصّح من ظلمه، و اعطاء من حرّمه، و الصلّه لمن قطعته»<sup>2</sup>.

سه چیز است که خداوند به وسیله آنها جز عزت انسان مسلمان را نیفزاید: گذشت از کسی که به او ستم روا داشته، و بخشیدن آن که او را محروم ساخته، و پیوند با آن که از او بریده است. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: بر شما باد به گذشت، زیرا گذشت جز عزت بنده را نیفزاید، از یک دیگر بگذرید تا خدا شما را عزیز کند. همانا صدقه بصاحبش افزونی بخشد، پس صدقه دهید- خدا شما را رحمت کند- و همانا تواضع موجب زیادی رفعت صاحبش شود، پس تواضع کنید تا خدا شما را رفعت دهد، و همانا گذشت عزت صاحبش را زیاد کند، پس درگذرید تا خدا عزیزتان کند.

### 1-5- صبر و استقامت

صبر و استقامت از مهم ترین ویژگی های پایدارنده عزت است صبر در برابر گناه، صبر در طاعت خدا، صبر در مصیبت ها و صبر در برابر مال و مقام و خود را حفظ کردن انسان را محکم و استوار می کند.

امام صادق علیه السلام فرموده است: «من صبر علی مصیبه زاده الله عزوجل عزا علی عزه»<sup>3</sup>. هر که به مصیبتی شکیبایی ورزد، خدای عزوجل عزت بر عزتش بیفزاید.

### 1-6- قناعت

قانع بودن و گرسستن خود از فزون طلبی، از دیگر ویژگی های مؤمنان و افراد عزیز است، از امتیازات انسان های با فضیلت است. یکی از راه های رسیدن به عزت، دوری از رفاه زدگی است. زیرا زیاده خواهی و هوس بی حاصل است که آدمی را در دامن حسرت و خواری فرو می برد و چون ریشه این درخت زده شود، سربلندی و عزت به بار می آید. افراد خود ساخته و آراسته دارای روحیه قناعت و عزت اند و با این روحیه عالی، هیچ گاه چشم طمع به مال دیگران ندوخته و برای کسب مال و مقام، شخصیت والای خویش را خرد و حقیر نمی کنند.

1 الطوسی، محمد بن الحسن، شیخ الطائفه (، امالی الطوسی، چاپ اول، قم، دار الثقافه،

1414 ق، گ 11، ص 185 و 186

2 کلینی، الکافی، گ 2، ص 109

3 محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، گ 82، ص 128

در روایات اسلامی از قناعت به عنوان وسیله عزت و بی نیازی و گنج فنا ناپذیر یاد شده است و در مقابل، اسراف و تبذیر و مصرف گرایی، و سیله شکست و ذلت معرفی شده است. تنها با نگاهی به تاریخ جوامع در می یابیم که ملتی توانسته است به خودکفایی اقتصادی و پیروزی در برنامه های خویش نایل آید که بر خود سخت گرفته و احتیاجات زاید بر زندگی و رفاه بیشتر را از خود دور کرده و ذلت زودگذر را فدای عزت پایدار نموده باشد.

امام خمینی رحمه الله منادی عزت و استقلال، گاه از ژاپن یاد می کرد<sup>1</sup> که این روحیه قناعت و صرفه جویی، آنان را واداشته تا حداکثر استفاده را از امکانات موجود خود بنمایند و بسیاری از مردم جهان را نیازمند صنوعات خود سازند. در حالی که با کمال تأسف در کشور ما شاهد شاخص بالای اسراف و تبذیر و مصرف گرایی و تجمل هستیم و پس مانده مواد غذایی ما حجم بالایی از زباله ها را تشکیل می دهد.<sup>2</sup>

امام راحل با حساسیت نسبت به موضوع می فرمود: « مردم در سر دو راهی عزت و ذلت قرار داشته و باید تصمیم بگیرند: یا رفاه و مصرف گرایی یا تحمل سختی و استقلال<sup>3</sup> آری! قناعت از مکارم اخلاق و از خصایص پیامبر اکرم صل الله علیه وآله و سلم است و ما باید به پیروی از آن اسوه بشریت، خود را به این صفت متصف کنیم .

امام صادق علیه السلام فرمود: خداوند امتیاز پیامبرش را مکارم اخلاق قرار داد. شما نیز خود را در این مورد بیازماید؛ اگر این ویژگی ها در شما بود خدا را سپاس گویند و از او بخواهید که آنها را زیادتیر کند. این امتیازات عبارت است از: یقین، قناعت، صبر، شکر، رضا، حسن خلق، سخاوت، غیرت، شجاعت و مردانگی.<sup>4</sup>

امام صادق علیه السلام می فرمود: حاجت خواستن از مردم موجب سلب عزت و رفتن حیا گردد، و نومییدی از آنچه دست مردم است، موجب عزت مؤمن است در دینش، و طمع فقری است حاضر و آماده.<sup>5</sup>

امام باقر علیه السلام فرمود: نومییدی و چشم نداشتن بدست مردم عزت دینی مؤمن است، مگر گفتار. عالیترین دستور معاشرت و برخورد با مردم را امیر المؤمنین علیه السلام در این جمله

1 خمینی، روح الله، صحیفه امام، چاپ اول، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ره، 1378 ش، گ 14، ص 17

2 در خبرها آمده است: « سالانه غذای 20 میلیون نفر را دور می ریزیم! » (روزنامه قدس، دو شنبه، 14 مرداد 1381)

3 امام خمینی ره، همان کتاب، گ 17، ص 98

4 شیخ حر عاملی، همان کتاب، گ 11، ص 139

5 کلینی، اصول کافی، گ 3، ص 326

بیان می کند و حاصلش این است که: انسان باید در دل دو عقیده داشته باشد: یکی آنکه در معاشرت به هم نوع محتاج است، زیرا طبعاً اجتماعی آفریده شده و در بقاء خود به آنها محتاج است، پس لازم است نرم گفتار و خوش برخورد باشد، دیگر آنکه محتاج و نیازمند به آنها نیست و باید به خود اعتماد کند و خدا را روزی ده بندگان و م سبب الا سباب داند، پس نباید تملق و چاپلوسی کند و خود را خوار و زبون نماید، بلکه در عین خوشروئی و شیرین سخنی عزت نفس و مناعت طبع خویش را باید حفظ کند.

از آثار قناعت، عزت و سرفرازی است. امیر مؤمنان فرمود: «القناعه تودی الی العز»<sup>1</sup> قناعت به عزت برمی گردد «ثمره القناعه العز»<sup>2</sup> میوه قناعت عزت است. «اقنع تعز»<sup>3</sup> قناعت کن، عزیز باش. «القناعیه عز»<sup>4</sup> قناعت سبب عزت است. «لا اعز من قانع»<sup>5</sup> هیچ کس از قانع عزیزتر نیست. خردمند هرگز از قناعت دست نمی کشد و تن به خواری نمی سپارد.

#### 1-7- انجام اعمال نیک

انسان با کرامت انجام اعمال نیک را بر خود واجب می داند: «الکریم مری مکارم افعاله دنیا علیه یقضیه»<sup>6</sup>. علی علیه السلام می فرماید: در نظر انسان شریف نیکوکاری و حسن عمل دینی است که بر ذمه او است و خود را به اداء آن موظف می داند.

#### 1-8- استقلال و خود اعتمادی

روحیه استقلال و خود اتکایی ناشی از کرامت و عزت نفس از آثار و فوائد این خصلت ارجمند است و در آموزه های دین، همواره مورد تأکید قرار گرفته است. امام صادق علیه السلام فرمود: «عزّ المؤمن استغنائه عن الناس» (عزت مؤمن در بی نیازی او از مردم است). در زندگی اجتماعی، مردم با کارهای مختلف بر اساس سلیقه ها و تخصصها، نیازهای یکدیگر را برطرف می کنند. عار از کار و انتظار این که دیگران به جای او کارها را سامان دهند، م شمول عکس این فرمایش است کیه همیان ذلت و طمع ورزی است. ایشان در جای دیگر فرموده اند: «شیعه ما از مردم چیزی تقاضا نمی کن، گرچه از گرسنگی بمیرد»<sup>7</sup>

1 آقا جمال خوانساری، همان کتاب، گ 1، ص 291

2 همان

3 ابن شعبه، همان کتاب، ص 233

4 آقا جمال خوانساری، همان کتاب، گ 1، ص 25

5 همان

6 تمیمی آمدی، همان کتاب، ص 90

7 محمد باقر مجلسی، همان کتاب، گ 96، ص 158.

### 1-9- داشتن کرامت انسانی و دوری از گناه

از دیدگاه امام علی علیه السلام، شخصیت و کرامت انسانی انسان، اقتضای آن دارد که او اصول اخلاقی را پاس دارد و از ناپسندی ها دوری جوید. گناه، اوج تجلی تحقیر روح بلند انسانی است که به امور پست و حقیر دل خوش کرده و در منجلاب ناپاکی ها دست و پا می زند. «من کرمت علیه نفسه هانت علیه شهواته»<sup>1</sup> کسی که شخصیت خود را گرامی بدارد، شهوات (و ناپسندی هیا) را خوار خواهد شمرد.

این سخن، ترجمان کرامت والای الهی است که انسان با عمل و شخصیت خویش آن را تقویت کرده و بارور می سازد. سخن خداوند متعال *إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاهُمْ*؛ (حجرات / 13) (با زبان علی علیه السلام این گونه تبیین و تفسیر گشته و جلوه گری نموده است.

از منظر تربیتی و روان شناختی، انجام گناه و یا تن دادن به کارهای ناپسند اخلاقی، ارتباطی مستقیم با دیدگاه فاعل عمل نسبت به شخصیت خویش دارد. انسان بزرگمرد و شایسته، کسی است که وجود و شخصیت خویش را گرامی داشته و از گناه و اعمال ناشایست پرهیز می کند. همچنان که زن، به عنوان موجودی کریم، از تبرج، جلوه گری و کارهای سبک احتراز کرده و شخصیت خویش را والاتر از آن می شمارد که در اختیار دیگران و بازیچه دست آنان گردد. آری، «من کرمت علیه نفسه هانت علیه شهواته».

### 1-10- رعایت کرامت شخصی

کرامت انسانی، هدیه خدا به انسان و بزرگداشت مقام او است. همانگونه که همه اشخاص وظیفه دارند بزرگی مقام انسان را ارج نهاده و او را گرامی دارند، خود شخص نیز موظف است این کرامت الهی را پاس داشته و آن را حفظ کند. از دیدگاه امام علی علیه السلام از هر کار که موجب استخفاف و پستی نفس و شخص انسانی گردد، باید اجتناب و دوری شود.

«أكرم نفسك عن كل دينة وإن ساقتك إلى الرغائب فإنك لن تعترض بما تبدل من نفسك عوضاً ولا تكن عبد غيرك وقد جعلك الله حراً»<sup>2</sup> بزرگواریت از آن باش که به هر پستی تن دهی؛ هر چند که تو را به مقصودت (از اموال فراوان دنیا) برسلند؛ زیرا تو نمی توانی در عوض آبرو و شخصیت انسانی خود که از دست می دهی، چیزی به دست آوری. و بنده هیچ کس مباش؛ زیرا خداوند تو را آزاد آفریده است.

1 سید رضی، نهج البلاغه، حکمت 449

2 همان، نامه 31

پرهیز از خفت و پستی، به گونه ای که سبب مشوه شدن چهره کرامت انسانی گردد، در این دعای امیرالمؤمنین علیه السلام مورد توجه قرار گرفته است: «اللّٰهُمَّ اجعل نفسی أوّل کریمه تنتزعها من کرائمی وأوّل ودیعۀ ترتجعها من ودائع نعمک عندی»<sup>1</sup>؛ خدای من، نخستین نعمت گران بهایی که از من سلب می کنی، جانم باشد (تا لعل و خفیف و حقیر در نزد مردمان جلوه نکنم) و جان من، اولین امانتی باشد که از من باز پس می گیری.

این سخن بلند، حاکی از روح کریمانه و بزرگووارانه امام علی علیه السلام است که هیچ گونه، خفت و پستی را در دنیا نمی پذیرد. از جانب دیگر، کرامت انسانی اقتضا می کند که انسان سفره دل خویش را برای هرکسی باز نکند، تا موجب خفت و خواری وی نشود. تحقیر انسان، حتی به وسیله خود شخص نیز، ممنوع می باشد.

«أزری بنفسه من استشعر الطمع، ورضی بالدلّ من کشف عن ضرّه، وهانت علیه نفسه من أمیر علیها

ل سانه»<sup>2</sup> هر کس طمع ورزد، خود را تحقیر کرده و کسی که سختی ها و ناراحتی هایش را فاش کند، به ذلت خویش راضی گشته و کسی که زبانش را بر خود امیر کند، شخصیت خویش را پایمال ساخته است.

عمل و رفتار انسان نیز نباید بیانگر تحقیر باشد. سخن امام علی (ع) را با حرب بن شرحبیل شبامی که پیاده در کنار مرکب حضرت حرکت می کرد، سابقاً آوردیم.<sup>3</sup>

سیره امام علی (ع) این گونه است که حتی احترام زائد نسبت به خویش را در جایی که موجب تحقیر و دل آزردهی دیگری شود، بر نمی تابد. ذلت ناپذیری انسان، در تمامی موارد، جلوه ای از کرامت خداداد به او و مورد ستایش همه کریمان است. شاید دل انگیزترین سخن حضرت در بزرگداشت کرامت انسانی، تکرار این سخن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله باشد: «إتی سمعت رسول الله (ص) یقول فی غیر موطن: لن تقدس أمة لا یؤخذ لا ضعیف فیها حقّه من القوی غیر متنتع»<sup>4</sup> من بارها از رسول خدا (ص) این سخن را شنیدم که فرمود: «تقدیس و ستایش نمی شود گروهی که حق ضعیف را از قوی بدون پرده پوشی و لکنت زبان نگیرد.

1 همان ، خطبه 215

2 همان ، حکمت 2

3 همان ، حکمت 332

4 سید رضی ، نهج البلاغه ، نامه 53

از منظر امام علی علیه السلام، انسان موجودی آزاده است که در بند و یوغ نمی گنجد و هیچ گونیه ذلتی را نمی پذیرد. «لا تکن عبد غیرک وقد جعلک الله حراً»<sup>1</sup> برده هیچ کس مباش؛ زیرا خداوند ترا آزاد آفریده است.

افراد بشر؛ همه از اولاد حضرت آدم علیه السلام بوده و شایستگی زندگی کریمانه، همراه با عزت و آزادی را دارا هستند. این آزادی، در کنه وجود آدمیان پدید آمده و هیچ کس را یارای زدودن آن نیست. حتی خود انسان نیز حق تحقیر و کوچک کردن خود را ندارد. او می باید این امتیاز الهی را پاس دارد و در نزد هم نوع خود سر خم نکند. سید رضی در نهج البلاغه آورده است: آن گاه که امام علیه السلام، در مسیر خویش به سوی شام، به شهر انبار رسید، بزرگان انبار (همراه با مردم) در جلوی مرکب امام علیه السلام دویده و این گونه امام علی علیه السلام را احترام می کردند. امام علی علیه السلام آنان را نهی نموده و نارسایتی خویش را از این عمل ابراز داشت.<sup>2</sup>

امام علیه السلام به گونه ای عزت مؤمنین را پاس می داشت که حتی همراهی پیادگان را بر مرکب و اسب خویش نمی پسندد. آن گاه که از صفین باز می گشت، به قبیله «شمام» رسید. حرب بن شریبیل شبامی به همراه حضرت حرکت می کرد. امام علیه السلام سواره بود و او پیاده در رکاب حضرت می رفت. حضرت بدو فرمود: بازگرد که پیاده آمدن چون تویی با کسی چون من، موجب پدید آمدن فتنه برای والی خواهد شد و خواری و ذلت مؤمن را در پی خواهد داشت.<sup>3</sup>

این سخن در جایی دیگر به گونه ای کلی گزارش شده است: «إنّ مشی الماشی مع الراكب، مفسدة للراكب ومذلة للماشی»<sup>4</sup> همراهی کردن پیاده به دنبال سواره موجب انحراف و فساد سواره گشته و ذلت و خواری مؤمن را سبب می شود.

این شیوه عمل به عنوان راهبرد به سیاست های علوی است. مکتب امام علی علیه السلام، انسان مؤمن را بزرگ داشته و خواری او را نمی پسندد. حتی خود او نیز حق ندارد کرامت انسانی خداداد خویش را زیر پا نهد و در رکاب دیگری به تحقیر شخصیت خویش بپردازد.

آن هنگام که امام علی علیه السلام با مردی غیر مسلمان، از روی اتفاق همراه می شود، با او به گرمی رفتار کرده و او را تکریم می کند. نهایت ابراز بزرگداشت مقام انسانی همسفر، آنگاه جلوه

1 همان ، نامه 31

2 ابن شهر آشوب ، همان کتاب ، گ 2 ، ص 104

3 سید رضی ، نهج البلاغه ، حکمت 322

4 کلینی ، الکافی ، گ 6 ، ص 540 ، ج 6

گیر می گردد که مسیر هدف این دو مسافر همراه، از یکدیگر جدا می گردد. امام علی علیه السلام مسیری مورد نظر خویش را فرو گزارده و در مسیر هم سفر خویش گام برمی دارد. این حرکت امام علیه السلام موجب تعجب و حیرت همسفر غیر مسلمان امیرالمؤمنین علیه السلام می گردد و امام علیه السلام در پاسخ، این شیوه را حق همراهی و صاحبیت می شمارد.<sup>1</sup> رعایت مقام و کرامت انسانی، در نامه امام علی علیه السلام به مالک اشتر، چشم گیر می باشد: قلب خود را سرشار از رحمت و محبت نسبت به مردم ساز و همچون حیوان درنده نسبت بدانان مباش؛ زیرا آنان یا برادران دینی تو هستند و یا انسان-هایی همچون تو.<sup>2</sup> «وَأَشْعِرِ قَلْبِكَ الرَّحْمَةَ لِلرَّعِيَّةِ وَالْمَحَبَّةَ لَهُمْ وَاللِّطْفَ بِهِمْ وَلَا كُونَنَ عَلَيْهِمْ سَبْعاً ضَارِياً تَغْتَنِمُ أَكْلَهُمْ فَإِنَّهُمْ صَنَفَانِ: إِمَّا أَخْلَكَ فِي الدِّينِ أَوْ نَظِيرَ لَكَ فِي الْخَلْقِ».

بنابراین همه انسان ها شاید سسته تکریم، بزرگداشت، محبت و دل سوزی هستند؛ چون ویژگی «نظیر لیک فی الخلق» شامل آنان می گردد. بسیاری از نمونه های تکریم انسان به ویژه تهیدستان در نامه حضرت به مالک اشتر، به عنوان والی مصر، مورد اشاره قرار گرفته است. آن هنگام که به حضرت خبر می دهند که غارتگران سپاه معاویه بر مردم هجوم برده و زیورآلات زنان را با خفت و خواری از آنان گرفته اند، برمی آشوبد و آنگونه سخن می گوید که خواننده از دیدن روح بلند و حساس ایشان در مواجهه با این حادثه در عجب می ماند.

«وَلَقَدْ بَلَغَنِي أَنَّ الرَّجُلَ مِنْهُمْ كَانَ يَدْخُلُ عَلَى الْمَرْأَةِ الْمَسْلُومَةِ وَالْآخِرَى الْمَعَاهِدَةَ فَيَنْتَزِعُ حُجْلَهَا وَقَلْبَهَا وَقَلَاتِهَا وَرَعِثَهَا... فَلَوْ أَنَّ امْرَأَةً مُسْلِمَةً مَاتَ مِنْ بَعْدِ هَذَا أَسْفَافاً مَا كَانَ مَلُوماً بَلْ كَانَ بِعِنْدِي جَدِيراً»<sup>3</sup> به من خبر رسیده است که یکی از آن (غارتگران)، بر زنی مسلمان و زنی غیر مسلمان وارد شده و زیورآلات آنان را از تن آنان بیرون آورده و برده است... اگر به سبب این حادثه و ناراحتی حاصل از آن، مسلمانی بمیرد، ملامت نخواهد شد و از نظر من کاری سزاوار و درخور است.

این سخن، نمونه زیبایی ارزش انسان و گرمی داشت مقام او، از منظر امام علی علیه السلام است.

نکته مهم این سخن آن است که: امام علی علیه السلام دین و مذهب را در این حادثه دخالت نداده و تعدی به اقشار مظلوم و ستم دیده ای را که در نظام اسلامی زندگی می کنند، ناپسند دانسته است. از این رو زن مسلمان و غیر مسلمان را در کنار هم یاد کرده و بین آنان تمایزی

1 کلینی، الکافی، ج 2، ص 670

2 سید رضی همان کتاب، نامه 53

3 همان، خطبه 27

قائل نشده است. امام خمینی (ره)، این سخن و برخورد امام علی (ع) را زیبا شمرده و از آن یاد کرده است.

توجه به کرامت ذاتی از سان، فارغ از جنسیت، قومیت و حتی دین، در سخن و عمل امام خمینی (ره) نیز مشهود است. ایشان در سخنانی خطاب به زنان، کرامت انسانی بدون نگرش به جنسیت را یادآوری کرده و فرموده است: خداوند شما را با کرامت خلق کرده است. آزاد خلق کرده است.<sup>1</sup>

و در جای دیگر حتی تفاوت های قومی و دینی را نیز نادیده گرفته است: مبارک باد بر شما! روزی که در آن، تمام اقشار ملت به حقوق خود می رسند، فرقی بین زن و مرد و اقلیت های مذهبی و دیگران در اجرای عدالت نیست.<sup>2</sup>

مبارک باد شما را چنین حکومتی که در آن اختلاف نژاد و سیاه و سفید و ترک و فارس و لر و کرد و بلوچ، مطرح نیست. همه برادر و برابرند. فقط و فقط کرامت در پناه تقوا و برتری به اخلاق فاضله و اعمال صالحه است.<sup>3</sup>

انشاء الله خداوند قدرت شکنستن چهارچوب سیاست های حاکم و ظالم جهان خواران و نیز جسارت ایجاد داربستهایی بر محور کرامت انسانی را به همه مسلمین عطا فرماید و همه را از افول ذلت به صعود عزت و شوکت همراهی نماید.<sup>4</sup>

#### جمع بندی

انسان بالذات دارای کرامت انسانی است و بدین سبب بزرگ داشته شده و شایسته تکریم اسیت. او قدرت اتخاذ فضایل اخلاقی و رشد کرامت انسانی را دارد. در این حالت، او به مقامی برتر از فرشتگان نایل می شود. او همچنین قدرت انتخاب مسیر ناصواب را دارد که به حسیض ذلت پایان می پذیرد و او را از داشته های اولیه بزرگواری ذاتی نیز محروم می کند. در این حالت، او به مرتبه ای پست تیر از حیوانات سقوط می کند.

---

1 امام خمینی، همان کتاب، ج 6، ص 301

2 همان، ص 453

3 همان

4 همان، گ 21، ص 83

### نتیجه‌گیری

این که قرآن کریم، عزت را از آن خدا، رسول و مؤمنان دانسته، از آن روست که مؤمنان با اعتقاد طیب به خداوند و با اطاعت از فرامین او به مدار عزت وی نزدیک می‌شوند. سنت الهی بر این قرار گرفته که تا این رابطه میان خالق و مخلوق وجود دارد، عزت مؤمن باقی باشد و اگر از این مدار خارج شود، جز ذلت و خواری نخواهند دید. نزدیکی به قدرتهای پوشالی بشری، پذیرش ولایت کفار برای دست‌یابی به شکوه و عزت، جز خواری در بر ندارد. در فصل دوم چند مورد از علل و عوامل رسیدن به عزت واقعی در آیات قرآن را بر شمردیم که ایمان به خدا و ارتباط با رسول و اهل بیت علیهم السلام و مؤمنان و داشتن مربیان شایسته و توجه به آخرت از جمله آنهاست. و به تناسب عنوان فصل چند نمونه از عوامل عزت خیالی که کثرت اموال و بستگان و ملی‌گرایی از جمله آنها بود مورد بررسی قرار گرفت. بنابراین کثرت اموال و فرزند و ملی‌گرایی و عشیره و قبیله برای انسان عزت واقعی نمی‌بخشد و سبب نابودی انسان هم در دنیا و هم در آخرت می‌شود و نیز فرو رفتن در گناه انسان را از عزت دور می‌سازد.

در فصل سوم ویژگی‌های انسانهای با عزت بررسی شد که طاغوت ستیزی و ستم‌گریزی، فرو خوردن خشم، برائت از بدی و شر، رعایت کرامت افراد پایین دست و... از جمله آنهاست. در ادامه فصل دوم به تناسب موضوع آثار و پیامدهای عزت‌مندی ذکر شد که اجرا کردن خواسته‌هایش، داشتن قدرت، رها شدن از عیوب و نواقص، کمک رساندن به دیگران از جمله آنهاست. بنابراین اگر کسی در زندگی توانست فردی با عزت شود و عزتمندانه زندگی کند دیگر شیطان بر او تسلطی نخواهد داشت و از هواهای نفسانی شیطانی و عیوب و نواقص و... رهایی پیدا می‌کند.

## منابع

•قرآن کریم

•نهج البلاغه

کتب فارسی

- 1- آقا جمال خوانساری، محمد بن حسین، شرح غررالحکم و درر الکلم، تحقیق جلال الیدین حسینی ارموی محدث، چاپ چهارم، دانشگاه تهران، 1366 ش
  - 2 - ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبه الله، شرح نهج البلاغه، تحقیق ابراهیم، محمد ابوالفضل، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، بی تا.
  - 3- تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، غررالحکم و درر الکلم، تحقیق سید مهدی رجایی، چاپ دوم، قم، دار الکتب الاسلامی، 1410 ق.
  - 4- خمینی، روح الله، صحیفه امام، چاپ اول، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ره، 1387 ش.
  - 5- شریف الرضی، محمد حسین، نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، نشر مشهور، چاپ اول، قم، 1379 ش.
  - 6- کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه سید جواد مصطفوی، 4جلد، کتاب فروشی علمیه اسلامی، چاپ اول، تهران، بی تا.
- کتب عربی
- 1- ابن شعبه، حسن بن علی، تحف العقول، چاپ اول، تهران، مؤسسه امیر کبیر، 1382 ش.
  - 2- محمد بن حسن، شیخ حر عاملی، و سائل الشیعیه، 30 جلد، چاپ اول، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، 1409 ق.
  - 3- الطوسی، محمد بن الحسن، (شیخ الطائفه)، امالی الطوسی، چاپ اول، قم، دار الثقافه، 1404 ق.
  - 4- کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، الکافی (ط - الإسلامیه)، 8 جلد، دار الکتب الإسلامیه - تهران، چاپ: چهارم، 1407 ق.
  - 5- مجل سنی، محمدباقر بن محمد تقی، بحار الانوار (ط-بیروت) 111 گ، دار الاحیاء التراث العربی، چاپ دوم، 1403 ق.
  - 6- النمازی الشاهرودی، علی، مستدرک سفینه البحار، قم، مؤسسه النشر الاسلامی جامعه مدرسین، 1419 ق